

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

حزب کار ایران (توفان)

۰۷ مارچ ۲۰۱۹

۷۵ سالگی شکستن محاصره لنین‌گراد در اثر مقاومت و مبارزه مردم شوروی

۷۵ سال پیش محاصره شهر لنین‌گراد توسط ارتش نازی‌ها و متحدانشان از طریق فنلاند که از ۸ سپتمبر ۱۹۴۱ شروع شده بود، بعد از حدود بیش از دو سال با شکست روبه رو شد. در تاریخ ۲۷ جنوری ۱۹۴۴ شهر قهرمان لنین‌گراد آزاد گردید و حلقه محاصره ارتش نازی را درهم شکست. هدف ارتش نازی تنها تسخیر شهر نبود. آنها با محاصره لنین‌گراد که توانائی فتح آن را به علت مقاومت مردم نداشتند به گرسنگی دادن ۲/۵ میلیون مردم لنین‌گراد آغاز کردند. ارتش نازی همه راههای منتهی به شهر را مسدود کرده و بمباران می‌نمود. لنین‌گراد ۸۷۲ روز در محاصره فاشیستها بود. در این شهر حدود یک میلیون نفر و اکثراً در اثر گرسنگی جان دادند. نا گفته روشن است که اکثر آنان مردم غیرنظامی، کودکان، و بیماران و افراد مسن و مادران بودند. کشتار مردم غیرنظامی را نمی‌شود درگیری ارتشها قلمداد کرد. این عملیات تنها با نیت آدمکشی صورت می‌گرفت. تا بلشویکها و انسان شوروی را از بین ببرند. به این جهت تنها همین یک نمونه حاکی از جنایت ضد بشری و کشتار جمعی ضد انسانی نازی‌هاست. هرمان گورینگ Herrman Göring مرد شماره ۲ آلمان نازی در مذاکره با وزیر امور خارجه ایتالیا گالانتسو چینو Galeazzo Gino در نومبر ۱۹۴۱ اظهار داشت: "۳۰ تا ۲۰ میلیون مردم روسیه گرسنگی خواهند کشید و شاید خوب باشد، زیرا برخی خلقها باید نابود شوند".

شرایط زندگی در لنین‌گراد بسیار سخت بود. لوله‌های آب یخ‌زده و ترکیده بودند. غذا به حد کافی در شهر موجود نبود. مواد سوخت نایاب شده و پیدا نمی‌شد. مردم چوب و میلمان خانه‌های خویش را برای این که منجمد نشوند می‌سوزاندند. آذوقه‌ای را که ارتش سرخ از راه بحیره یخ زده در و خیمترین اوضاع نظامی به مردم می‌رساند تنها یک سوم احتیاجات را تأمین می‌کرد. آذوقه مردم باید برای پنجمین بار تقلیل داده می‌شد. کارگران حق داشتند ۲۵۰ گرم نان در روز داشته باشند و سایر ساکنان لنین‌گراد ۱۲۵ گرم تا سنگرها خالی نشود و تولید و مقاومت استمرار داشته باشد. کارخانه تسلیحاتی "کیروف" تا روز آخر تسلیحات تولید می‌کرد و از جمله تانکهای ت-۳۴ (T34) که برخی از آنها تا برلین نیز رسیدند. کارگران از هیچ فداکاری کوتاهی نمی‌کردند و تا روز آخر تولید کردند. بمب‌افکنهای آلمان نازی کارخانه را بمباران می‌کردند و آتش‌سوزی راه می‌انداختند و کارگران را به قتل می‌رساندند ولی آنها مانع از کار افتادن چرخ تولید می‌شدند. کارگران که در مواقع حملات هوایی ناچار می‌شدند به پناهگاههای ضد بمب بروند، با درک این مسأله

که این امر ساعتها در تولید کارخانه تأخیرات جبران ناپذیر ایجاد می‌کند، تصمیم گرفتند که در زمان بمباران نیز کار کنند. نقشه هیتلر که مدارس؛ کارخانه‌ها؛ بیمارستانها و صنایع زیربنایی و هستی مردم شوروی را از بین ببرد، با شکست روبه رو گردید. سوسیالیسم بر سرمایه‌داری هار پیروز شده بود.

در زمستان ۱۹۴۲ حزب بلشویک تصمیم گرفت برای تشویق روحیه مقاومت و مبارزه ارکستر سمفونیک ایجاد کند که برنامه آن از رادیو و بلندگوهای نصب شده در شهر و جبهه پخش شود. رهبر ارکستر ویلونیس "الیاسبرگ" Eliasberg بود که در اثر خستگی مفرط پس از چندی از پای درآمد.

در ۹ اپریل ارکستر جدیدی از موسیقی‌دانان شهر ایجاد شد. مشکل موسیقی‌دانانی بودند که با سازهای بادی کار می‌کردند. آنها به علت گرسنگی نای دمیدن در آلات موسیقی را نداشتند ولی خود را برای مبارزه آماده کرده بودند. تغذیه آنها را بهتر کردند تا توان دمیدن داشته باشند.

آنگاه بلشویکها هجوم خویش را در عرصه هنری شروع کردند. ارتش المان وعده کرده بود در ۹ اگست ۱۹۴۲ در سالگرد محاصره این شهر آن را فتح کند. ولی لنین‌گرا د ایستاده، زنده بود و می‌رزمد و ارتش المان درجا می‌زد. در چنین روزی سمفونی شماره هفت رفیق دیمتری شوستاکوویچ Dmitri Šostakovič نواخته شد. شوستاکوویچ این سمفونی را برای مردم لنین‌گرا د نوشته بود و به این جهت به نام "لنین‌گرادی‌ها" مشهور گشت. دقیقاً در سالگرد محاصره لنین‌گرا د نوای موسیقی شوستاکوویچ در فضای شهر در محاصره؛ طنین انداخت و پژواک آن تا حلقه محاصره دشمن رسید و روحیه نازی را درهم شکست. آنها فهمیدند که لنین‌گرا د تسخیر ناپذیر است.

مردم شهر برای تهیه بلیط ارکستر در مقابل سالون بزرگ شهر به صف ایستادند و این صف طویل‌تر از همه صفوف نان و آذوقه تا به آن روز بود. در آن روز تاریخی ارکستر همراه با نور و برق که به شدت جیرمبندی شده بود، آغاز به کار کرد. مردم با صدای موسیقی به اوج می‌رفتند و زمانی که در مرحله نهائی و صعود به قله احساسات؛ شکست فاشیسم تصویر شد، جمعیت به پاخاست و به کف زدن مشغول شد. نوای موسیقی "لنین‌گرادی‌ها" آن چنان قدرتمند بود که در جبهه جنگ؛ سربازان ارتش سرخ آنچنان با نیروی آتش سربازان نازی را هدف قرار دادند که هیچ یک از هواپیماهای نازی‌ها نتوانستند پرواز کرده به فضای شهر لنین‌گرا د تجاوز کنند. سمفونی شماره هفت شوستاکوویچ با سمفونی آتش جبهه سربازان ارتش سرخ کامل شد. نازی‌ها فهمیدند که آرزوی پیروزی را باید با خود به گور ببرند.

مردم مقاوم لنین‌گرا د بعد از جنگ به عنوان قهرمانان وارد تاریخ شوروی و بشریت مترقی در جهان شدند. در این روز در سراسر شوروی و به‌ویژه در لنین‌گرا د رژه نظامی برگزار شده و مردم بر سر مزار شهدای محاصره؛ گل و شکلات می‌گذارند تا از قهرمانان خویش که جان دادند تا سوسیالیسم زنده بماند تجلیل کنند.

نازی‌ها در المان غربی بعد از جنگ؛ این بخش تاریخ بشریت را حذف کردند و حتی در مدارس از تدریس آن به دانش-آموزان جلو گرفتند. سانسور عمیق؛ المان غربی را که با ممنوعیت فعالیت کمونیستی آغاز شده بود، در نوردید. ولی این کشور ساخته و پرداخته نازی‌ها؛ که آنها مجدداً در آن دست بالا را داشتند و دارند و سرنوشت آن را تعیین می‌کردند و می‌کنند، کشوری "دموکرات" و "آزاد" قلمداد شد. دولت کنونی المان برای خالی نبودن عریضه اعلام کرده است که قصد دارد به باقیماندگان محاصره لنین‌گرا د ۱۲ میلیون یورو کمک برساند. این مبلغ توهین جدیدی به مردم لنین‌گرا د است. با این مبلغ تنها می‌شود یک ساختمان چند طبقه ساخت و بس. شهری را با یک میلیون نفر نابود کردند و حالا می-خواهند در ازای آن به عنوان تاوان؛ یک ساختمان چند طبقه بسازند. حاکمیت ضدکمونیست روسیه که همان رویزونیستهای سابق بر مسند کارند، این ننگ را می‌پذیرند و معترض نمی‌شوند.

از این گذشته ۷۵ سال بعد از آزادی لنین‌گراذ کسی دیگر از آنها باقی نمانده است که از این کمکها برخوردار شود. این سیاست دولت المان مکمل همان سیاستی است که محاصره کنندگان جانی و تبه‌کار لنین‌گراذ را تا روز مرگشان در المان مورد حمایت قرار داد، و آنها را از انواع حقوق بازنشستگی، درمانی و حقوق شهروندی و ... برخوردار گردانید. نازی زدائی در المان غربی مفهوم ناشناخته بود و باقی‌ماند.

روزیونیستها و امپریالیستها نام بزرگ "لنین‌گراذ" را به "سن پترزبورگ" تغییر دادند و سن پترزبورگ کنونی باید خاطره انقلاب کبیر اکتوبر و محاصره لنین‌گراذ را از اذهان مردم روسیه و تاریخ بشریت بزدايد. پوتین در ۷۵ سالگی آزادی لنین‌گراذ وقت نداشت در سان دیدن از این رژه سنتی ارتش در روز آزادی لنین‌گراذ شرکت کند. "تجلیل" از این روز بزرگ با ناخرسندی صورت گرفت. هر چه باشد امپریالیسم روس و روزیونیسم شوروی هر دو دشمنان سوسیالیسم بودند و هستند. بزودی سالگردهای رسمی مبارزه مردم لنین‌گراذ فقط در قلبها زنده است و شعله می‌کشد. می‌شود از برگزاری با شکوه این خاطره تاریخی طفره رفت و از تجلیل از این قهرمانان سرباز زد، ولی نه نام لنین-گراذ زدودی است و نه نام ستالین‌گراذ. این دو نام در حافظه تاریخ ثبت هستند.

در برخورد به مسأله مقاومت قهرمانانه مردم لنین‌گراذ دو نوع برخورد وجود دارد. یکی برخورد کمونیستی همانگونه که از زمان رفیق ستالین در شوروی معمول بود و تا بروز روزیونیسم در این کشور به آن عمل می‌شد و دیگری برخورد امپریالیستی- روزیونیستی که هدفش نفی مبارزه قهرمانانه مردم شوروی و به فراموشی سپردن آن است. دشمنان بشریت؛ امپریالیسم و روزیونیسم تلاش دارند تا با کسانی که به روحیه مقاومت مردم لنین‌گراذ تکیه کرده و قهرمانی و حماسه مبارزه لنین‌گرادی‌ها را زنده نگاه می‌دارند، مبارزه کنند. اکثریت مردم روسیه ولی از حماسه لنین-گراذ سرشار اند و می‌خواهند جوانان روسیه و کمونیستهای جهان از آن برای مبارزه به ضد سرمایه‌داری الهام بگیرند. نیت شوم دشمنان؛ تخریب هویت و افتخارات جامعه سوسیالیستی شوروی و شخص رفیق ستالین است.

در جبهه دوم که بشدت از طرف جناح ارتجاعی در روسیه و در ممالک امپریالیستی غرب تبلیغ می‌شود، یکی این است که گویا موجبات کشتار بیش از یک میلیون نفر در لنین‌گراذ را باید در اشتباهات دفاعی شهر جست و جو کرد. آنها مدعی می‌شوند که مبارزه مردم آنچنان هم که تبلیغ می‌شود، قهرمانانه نبوده است. زیرا دزدی و قتل رواج یافته و حمله به مخازن مواد غذایی توسط گروههایی که تیرباران شده‌اند انجام می‌شده است. آنها برای تحقیر مردم شوروی صفحات زیادی را سیاه می‌کنند که چگونه آنها در اثر گرسنگی، حیوانات خانگی و وحشی را می‌خوردند و ... و سازمان امنیت شوروی نامه‌های مردم را کنترل می‌کرده است. در دوران محاصره لنین‌گراذ در همه جا "خفقان ستالینی" حاکم بوده است. یک خبرنگار بی‌شرم المانی در یکی از نشریات مشهور المان حتی چنین مضمونی را تبلیغ کرد که آیا بهتر نبود ستالین تسلیم می‌شد و مانع کشتار تا بیش از یک میلیون نفر از مردم شوروی می‌شد؟ آیا این رفتار وی نقض حقوق بشر نیست؟ این نشریه وزین المان اشاره نمی‌کند که تسلیم لنین‌گراذ به نازی‌ها به معنای قتل‌عام مردم روسیه بود که از جانب هیتلر نژاد پست محسوب می‌شدند. به نقل از مصاحبه‌های غیرقابل نظارت و پژوهش و در یک کلام ساختگی با مردم کنونی روسیه چنین آوردند که آیا بهتر نیست به جای تأمین هزینه رژه نظامی برای تجلیل از لنین‌گرادی‌ها مخارج آن را برای امور جاری و نیازهای دیگر در نظر گرفت؟ یک کارگردان مرتجع به نام آلکسی کراسوسکیه فلمی تهیه کرده است که مبارزه مردم لنین‌گراذ را به تمسخر گرفته و از برگزاری جشن سال نو میلادی توسط "خانواده‌ای با نفوذ" که در ارتباط با "مقامات فاسد" حکومتی بودند، "پرده برمی‌دارد" و نشان می‌دهد لنین‌گرادی‌ها مقاومت نبودند و نسل جدید روسیه و مردم جهان باید از این خانواده‌های کثیف کشف شده توسط آقای آلکسی کراسوسکیه در فلمش الهام بگیرند. البته این فلم در روسیه ممنوع است، ولی در شبکه مجازی توسط دشمنان سوسیالیسم توزیع می‌گردد.

تئوری ضرورت عدم مقاومت و مبارزه با نیروهای فاشیسم هیتلری به منظور "حفظ جان مردم" در اساس یک تئوری آشنای ارتجاعی است که انسانها را در اسارت میخکوب می‌سازد. در هیچ جای طبیعت و اجتماع سکون و یا تسلیم به شرایط نامساعد و حمله دشمن، راه گشای گذار به شرایط مساعد نبوده و نیست. این امر با ماهیت تکامل طبیعت و جامعه هماهنگی نداشته و عملاً اسارت و تبعیت را تمدید می‌سازد.

بر گرفته از توفان شماره ۲۲۸ اسفند ماه [حوت] ۱۳۹۷ - مارچ ۲۰۱۹

ارگان مرکزی حزب کار ایران (توفان)